



مارش میرا

جاده مرگ - جاده زندگی

صادق سلیموویچ
مریم رحمانیان وحید پرست تاش

www.ketab.ir



انتشارات پرند

● مارش میرا جاده مرگ - جاده زندگی

● نویسنده: صادق سلیموویچ

● مترجمان: مریم رضائیان - وحید پرست تاش

● مدیر هنری و طراح گرافیک: سعید صادقی ● مدیر اجرایی: سید امین سقره‌ای ● ویراستار: سیدآیت حسینی ● چاپ و صحافی: مشککی ● بخش: ققنوس ● چاپ اول: ۵۰۰ نسخه. چاپ دوم: ۱۰۰۰ نسخه. چاپ سوم: ۱۰۰۰ نسخه. چاپ چهارم: ۱۰۰۰ نسخه. چاپ پنجم: ۵۰۰ نسخه. پاییز ۱۳۹۹. چاپ ششم: ۳۵۰ نسخه. بهار ۱۴۰۲ ● قیمت: ۱۲۸۰۰ تومان ● حق چاپ محفوظ است. © این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.



انتشارات پرند

● سرشناسه: سلیموویچ، صادق، ۱۹۵۵ - م. Salimović, Sadik ● عنوان و نام پدیدآور: مارش میرا: جاده مرگ - زندگی / صادق سلیموویچ؛ مترجمان مریم رضائیان رامشه، وحید پرست تاش. ● مشخصات نشر: تهران: انتشارات پرند، ۱۳۹۹. ● مشخصات ظاهری: ۲۱۲ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م. ● شابک: 978-600-895535-1 ● وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا ● یادداشت: عنوان اصلی: Srebrenica-Tuzla: put smrti: prema istinitim događajima = The road of Death: based on true events, 2008. ● عنوان دیگر: جاده مرگ - زندگی. ● موضوع: داستان‌های بوسنیایی -- قرن ۲۰ م. ● موضوع: Bosnian fiction -- 20th century ● شناسه افزوده: رضائیان رامشه، مریم، ۱۳۶۱-، مترجم ● شناسه افزوده: پرست تاش، وحید، ۱۳۵۸-، مترجم ● زده‌بندی کنگره: PG۱۷۴۵ ● زده‌بندی دیویی: ۸۹۱/۸۴۱۵ ● شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۲۱۶۲۲

● نشانی: تهران، ترسیده به چهارراه ولیعصر، خیابان هاشمی‌فر، بعد از تقاطع وازی، پلاک ۱۷، ساختمان ابن سینا، واحد ۲، ۶۶۷۵۷۱۵۱.۲
● وبسایت: www.parandepub.ir ● ایمیل: info@parandepub.ir ● اینستاگرام و توییتر: parandepub
● فروشگاه آنلاین: فروشگاه نشر پرند: www.parandepub.ir ● فروشگاه اینترنتی نیوار: www.nivar.ir
● فروش کتاب صوتی: سایت طاقچه، نوآر، فراکتاب

مقدمه مترجمان

وقتی محاصره شهر طولانی شد، وقتی غذا کم یاب شد، وقتی صدای خمپاره‌ها لحظه‌ای آرام نمی‌گرفت، وقتی گریه بچه‌ها تمامی نداشت، وقتی دشمن به شهر نزدیک شد، وقتی سلاحی برای دفاع وجود نداشت، وقتی کودکان به آغوش مادرها پناه بردند، وقتی مردها با ناامیدی به آسمان خیره شدند، وقتی سقوط شهر قطعی شد و زمانی که تسلیم معنایی جز مرگ نداشت، آنگاه راهی جز پناه بردن به صلح‌بانان سازمان ملل یا فرار به سوی آزادی در آن سوی دشمن وجود نداشت. تصمیمی برای مرگ و زندگی! این روایت سربرنیتسا است؛ روایتی که هرگز فراموش نمی‌شود!

یکی از وقایع مهم و اثرگذار در جنگ بوسنی و هرزگوین اجرای سربرنیتسا است. در این واقعه بیش از هشت هزار انسان بی‌گناه تنها طی چند روز قتل عام شدند. تفاوتی نداشت؛ چه افرادی که به صلح‌بانان سازمان ملل اعتماد کردند و چه کسانی که به امید آزادی، فرار کردند! اجساد بسیاری از آن‌ها را در گورهای جمعی یافتند. بسیاری از آن‌ها همچنان مفقود هستند. این گناهی است که هرگز بخشیده نمی‌شود!

در مزار پوتوچاری در نزدیکی سربرنیتسا ۸۳۷۲ قبر حفر شده است. هنوز قبرهای خالی زیادی باقی است. مادران جوان سربرنیتسا پیر شدند، فرزندان قربانیان بزرگ شدند، برخی از جنایت‌کاران در دادگاه لاهه محکوم شدند، تلاش‌ها برای به رسمیت شناخته شدن جنایت سربرنیتسا به مثابه نسل‌کشی همچنان در جریان است، اما داغ سربرنیتسا هنوز تازه است. داغی که هرگز سرد نمی‌شود!

جاده مرگ مسیری است که پناه جویان بعد از سقوط سربرنیتسا به امید آزادی در آن گام نهادند ولی بسیاری از آن‌ها هرگز به مقصد نرسیدند! مسیری نامشخص و طولانی در میانه جنگلی انبوه و کوهستان؛ در اوج وحشت در شکارگاه، در انتظار شکارچیان انسان، با نهایت تشنگی و گرسنگی؛ روایتی که هرگز به درستی تصور نمی‌شود!

مسیری که امروز آن را مارش میرا (راهپیمایی زندگی) می‌نامند و هرساله هزاران نفر به یاد قربانیان سربرنیتسا در آن شرکت می‌کنند، حرکت در جهت خلاف مسیری است که قربانیان در جولای ۱۹۹۵ در آن قرار داشتند و در واقع، پایان «مارش میرا» ابتدای «جاده مرگ» است. جاده‌ای حدوداً به طول صد کیلومتر؛ مسیری که هرگز تمام نمی‌شود!

این داستان روایتی بر مبنای واقعیت از هفت شهروند سربرنیتسا است که به امید نجات بعد از سقوط شهر عازم شهر توزلا می‌شوند. مرکی رهبر گروه است و آن‌ها را هدایت می‌کند. موسی تاجری است که تا قبل از جنگ در سراسر یوگسلاوی تجارت کرده است. سیو مرد خانواده است و زن و فرزندانش در ابتدای جنگ به خارج از کشور گریخته‌اند. فاره جوانی است با آرزوهای بزرگ. سالکو یک سیگاری حرفه‌ای است. حمدیا عاشق غذا است و هری جوانی محافظه‌کار است. داستان آهنگی پرشتاب دارد. ضربان قلب هفت نفر را در برخی لحظات احساس خواهید کرد. با ادامه داستان، گذشته‌نمایی‌ها به مخاطب کمک می‌کند تا اطلاعات بیشتری از محیط، تاریخ و شرایط کسب کند. زندگی این هفت تن در طول ده روز طی مسیر در جاده مرگ، روایتی است که هیچ روایتی هرگز مشابه آن نمی‌شود!

ماجرای بوسنی و جنگ آن بر کسی پوشیده نیست. بوسنی و هرزگوین برای مردم ایران نیز نامی آشنا است. نامی که با جنگ‌های خونین دهه ۱۹۹۰ میلادی به

رسانه‌های جهان راه یافت و به سرعت به خانه‌های مردم ایران رسید. جنایت‌های وسیعی در این کشور کوچک رخ داد و ابراز هم‌دردی گسترده، کمک‌های مادی و معنوی، حمایت‌های دیپلماتیک و سیاسی تنها بخشی از پاسخ ملت ایران به فریاد مردم مظلوم بوسنی بود و نام چهار شهید ایرانی^۱ در کشور بوسنی نوری است که هرگز خاموش نمی‌شود!

ترجمه این کتاب به زبان فارسی را به خواست مادر منیرا سوباشیچ رئیس انجمن مادران سربرنیتسا و ژپا آغاز کردیم. با آقای صادق سلیموویچ نویسنده کتاب گفتگو کردیم و تصمیم به ترجمه کتاب از زبان انگلیسی گرفتیم. کتاب حاضر از جمله آثاری است که در حوزه بیان واقعیت‌های سربرنیتسا موفقیت‌های زیادی کسب کرده و به زبان‌های متعددی ترجمه شده است. بعد از انتشار این کتاب بود که نام جاده مرگ بر سر زبان‌ها افتاد.

امیدواریم که این کتاب فراتر از یک داستان، به مثابه مقدمه‌ای برای آشنایی بیشتر با واقعیت‌های رخ داده برای مردم مظلوم کشور بوسنی و هرزگوین مورد توجه قرار گیرد؛ مقدمه‌ای که هرگز کامل نمی‌شود!

وحید پرست‌تاش - مریم رضائیان

۱. امنیت و آسایش مردم بوسنی و هرزگوین مرهون تلاش‌ها و ایثارگری هزاران شهید مظلوم بوسنیایی و غیور مردانی همچون شهید رسول حیدری، شهید محمد حسین نواب، شهید بهنام نیکنام و شهید عبدالله کلاشک است که در شرایط سخت برای تحقق صلح در این کشور جان خود را نثار کردند.